

نقش تصویر و رنگ آن در کتاب‌های درسی و دانشگاهی و تأثیر آن در آموزش زبان بیگانه

مهتری بهرام بیگی^۱

چکیده

تصویر، زبانی جهانی است که باید جنبه شناختی آن را خاطر نشان کرد: به عنوان تولیدکننده معنی، به عنوان ابزاری ضروری برای متن و همین‌طور به عنوان منبع تفسیر و تعبیر متن تصویر که به عنوان ابزاری آموزشی از همان دروس ابتدایی یا پیش از آن به کمک مربی یا مدرس می‌آید و حس دیداری، عامل مهمی در یادگیری است.

کتاب درسی به عنوان یکی از ارکان و ابزارهای یادگیری دارای متن، تصویر و سایر اجزاء و عناصری است که به یادگیری کمک می‌کند. کتاب درسی دارای ویژگی‌های کلی و ساختاری است. ویژگی‌های ساختاری بیشتر شامل جنبه‌های ظاهری و هنری کتاب است. تصاویر یکی از ویژگی‌های ساختاری است. هدف از این مقاله بررسی اهمیت وجود تصاویر در کتاب‌ها به ویژه کتاب‌های درسی است.

این مقاله به پیدایش تصویر، اهمیت آن در یادگیری و به خاطر سپاری مطالب، روش چیدمان تصاویر در کتاب برای استفاده بهینه از آنها در درک مطالب، نقش رنگ در تصویر و آموزش، همچنین تأثیر وجود تصویر در یادگیری زبان فارسی و زبان بیگانه می‌پردازد.

سوال این است که آیا تصویر می‌تواند به عنوان ابزاری پویانده و ابزاری بیانی به عنوان زبانی مستقل نمایش داده شود تا بتوانیم نوعی مهارت را از آن کسب کنیم؟

این مقاله بر پایه نتایج پژوهش‌های صاحب‌نظران امر آموزش زبان و گرافیک‌ها تهیه شده است. از آنجا که یک تصویر می‌تواند چند جمله را در ذهن فراگیر ایجاد کند با همراه کردن رنگ در بخش‌های مختلف تصویر، می‌توان به آموزش زبان بیگانه به شیوه راحت‌تر پرداخت به ویژه زبانی که فراگیر هیچ آشنایی با آن ندارد.

کلیدواژگان: تصویر، رنگ، کتاب‌های درسی و دانشگاهی، آموزش، زبان بیگانه

مقدمه

۱. استادیار پژوهشی سازمان سمت؛ m_bahram_beigy@yahoo.com

هرگاه سخن از یادگیری به میان می‌آید مثلث استاد، دانشجو و کتاب درسی به عنوان اصلی‌ترین عناصر یاددهی و یادگیری در ذهن تداعی می‌شود. هر کدام از این عناصر ویژگی‌های خود را دارند و دارای زیر مجموعه‌های متعددی هستند که در امر یاددهی و یادگیری ایفای نقش می‌کنند. کتاب‌های دارای تصاویر همیشه بیشتر مورد پذیرش بوده‌اند چرا که تصاویر موجب ایجاد انگیزه در فراگیر می‌شوند و با جلب نظر و تمرکز حواس او نتیجه‌ای عمیق‌تر از پردازش متن به دست می‌دهند و نیز با ایجاد ارتباطی غیر کلامی موجب تداعی با متن می‌شود (افخمی‌نیا، ۱۳۸۶: شماره ۱۳).

تصاویر و عکس‌ها در دوره آموزش عمومی غنی‌تر و در دوره‌های بالاتر انتزاعی‌ترند. تصاویر و عکس‌ها در دوره آموزش عمومی ترجمه تصویری مفاهیم و در دوره‌های بالاتر هماهنگ با مفاهیم اند. تصاویر و عکس‌ها در دوره آموزش عمومی جنبه هنری قوی‌تر و در دوره‌های بالاتر جنبه علمی بالاتری دارند. تصاویر و عکس‌ها در دوره آموزش عمومی بخشی از محتوا را با خود دارند و در دوره‌های بالاتر این نقش ضعیف‌تر می‌شود و بیشتر به یادگیری محتوا کمک می‌کند (آرمنند و ملکی، ۱۳۹۱).

تصاویر و عکس‌ها در کتاب‌های درسی در واقع بخشی از محتوا هستند که گزینش و قرار گرفتن آنها در جا و مکان مناسب دقت کافی می‌طلبد تا رجوع به عکس‌ها و تصاویر باعث سهولت در یادگیری باشد نه ایجاد سردرگمی برای دانشجو و انداختن شکاف بین متن.

در حال حاضر، اکثر اساتید، نویسندگان و حتی والدین نیز به نقش مهم تصویر در فرایند یاددهی/یادگیری واقف شده‌اند و این که تصویر البته به عنوان تصویر آموزشی، چه نقشی ایفا می‌کند. در برنامه‌ها و متون درسی امروز تصویر به ویژه به عنوان ابزار یادگیری و در کارکرد متون نوشتاری نقش مهم‌تری ایفا می‌کند.

تصویر با ظهور و اختراع دستگاه عکاسی متولد نشد بلکه سی هزار سال پیش در پرتو نور مشعلی در اعماق یک غار ظاهر شد^۱.

1. Galerie des Mégacéros - Grotte Chauvet - Ardèche © Dominique Baffier – Valérie Ferruglio w3.msh.univ-tlse2.fr/biplot/SAVOIRPLUS/histoire/histoire.html
Petite histoire de l'image... en images. Par Franck VIDAL.



در قرون وسطی نیز، تصاویر و متن با یکدیگر پیوند خوردند و تذهیب متولد شد.



به خاطر سپاری تصاویر توسط مغز انسان

مغز انسان از دو نیم‌کره چپ و راست تشکیل شده است که کارکرد و فعالیت‌های فکری این دو نیم‌کره با هم تفاوت دارد، نیم‌کره چپ به فعالیت‌های فکری مانند منطق، ریاضیات و تجزیه و تحلیل و نیم‌کره راست به امور هنری، تصاویر، تجسم، شناخت رنگ‌ها، خیالات و ... می‌پردازد.

بحث تقسیم‌بندی مغز به دو نیم‌کره چپ و راست، اولین بار توسط روانپزشک آمریکایی راجر اسپری در اواخر دهه ۱۹۵۰ مطرح شد. بر این اساس، مغز ما دارای دو نیم‌کره چپ و راست است و وظایف و اعمال مغز بین این دو نیم‌کره تقسیم می‌شوند. برخی از مهم‌ترین وظایف نیم‌کره چپ عبارتند از:

کنترل حرکات سمت راست بدن، انجام محاسبات و اعمال ریاضی، انجام استدلال‌های منطقی و تحلیلی، کنترل قدرت بیان و زبان تکلم، قابلیت حافظه کوتاه مدت، پردازش جزئیات.

اما برخی از وظایف نیم‌کره راست عبارتند از:

کنترل حرکات سمت چپ بدن، ایجاد هماهنگی در گفتار و آهنگ کلام، قابلیت حافظه بلندمدت، درک موسیقی، کنترل زبان بدن، به خاطر سپاری تصاویر، کل‌نگری، کنترل برخی از احساسات،

درک منظور و معانی نهفته و خلاقیت استفاده از نیم‌کره راست در یادگیری، مؤثر است و مثلاً تصویری که در کنار متنی نوشتاری به‌خوبی در حافظه بلندمدت ما ثبت شده است با تداعی کردن آن تصویر، تمام آن مطلب به‌خاطر ما می‌آید. جدا از بحث روانشناسانه و فیزیولوژیک، تجربه نشان داده است که حس‌های مختلف در یادگیری انسان نقش یکسانی ندارند و بیشترین سهم مربوط به حس بینایی است که حدود ۷۵ درصد از کل حواس را دربر می‌گیرد و تصویر نقش به‌سزایی در یادگیری مفاهیم و تعمیق مطالب در ذهن فراگیر داشته و دارد و با ایجاد تنوع در تدریس از خستگی فراگیر و کسالت‌آور بودن کلاس جلوگیری می‌کند.

تصویرسازی از مطالب، یکی از بهترین شگردهای به‌خاطر سپاری است، زیرا این کار با توجه به تمرکز و درک مطلب همراه است و یادسپاری را از یک حالت خشک و بی‌روح به یک فعالیت مهیج و جالب تبدیل می‌کند. برای تصویرسازی باید به‌طور کامل مطالب را در ذهن تجسم کرد و یک تصویر ماندگار از آن به وجود آورد گویایی و ماندگاری یک تصویر، بیش از صدها کلمه است، زیرا تصویرها تا مدت‌ها در ذهن می‌مانند، اما اسامی و کلمات، اثر کمتری در ذهن می‌گذارند. اینجاست که ضرب‌المثل چینی که ارزش یک تصویر را برابر ده هزار واژه می‌داند، معنا می‌یابد.

اهمیت وجود تصاویر

وجود تصاویر در کتاب‌های درسی و یا حتی غیر درسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بسیاری از مؤلفان شکل‌ها و جدول‌ها را یا جزء قسمت‌های فرعی متن یا صرفاً عناصری تزئینی بر می‌شمرند، و نه به آنها ارجاع می‌دهند، نه اطلاعات گنجانده شده در شکل را به مبحثی که شکل در آن قرار گرفته است، ربط می‌دهند. این شیوه پسندیده نیست. شکل‌ها و جدول‌ها در صورتی ارزش آموزشی خواهند یافت که درباره دلیل استفاده از آنها و ارتباط آنها با بحث، و اهمیتشان توضیحی، هر چند مختصر، داده شود. برداشت اشتباه دیگری که بین مؤلفان رایج است این است که شکل‌ها و جدول‌ها می‌توانند جانشین متن شوند. اما در یک اثر خوب، شکل‌ها و جدول‌ها برای توضیح مطالب متن به کار می‌روند، نه این که جای آن را بگیرند. نباید اطلاعات جدیدی بدون توضیح در متن، در شکل‌ها و جدول‌ها گنجانده شوند (مری‌الن لپیونکا، ۱۳۹۱: ۲۷۷) و باید با محتوای آموزشی هماهنگی داشته باشد به‌عنوان مثال اگر موضوع راجع به چهره‌های ادبی مربوط به قرن ۱۸ میلادی در فرانسه است باید داده‌های علمی آن دوران مورد بررسی و تحقیق قرار گیرند و چنانچه مؤلف خود تصاویری ارائه ندهد است تصویرگر باید پس از مطالعه و تحقیق در این خصوص و مشورت با مؤلف و فردی کارشناس در این زمینه تصویر مناسب را برگزیند و به برداشت خود از موضوع یا احیاناً برداشتن تصاویر از برخی کتاب‌ها و منابع و اینترنت اکتفا نکند. تصویر بدون متن، به خودی خود یک زبان است.

اهمیت وجود تصویر در کتاب از دیر باز مطرح بوده و تا به امروز ادامه یافته است. در عهد باستان نیز کتاب‌های مصوری بودند که متن و تصویر را با هم در می‌آمیختند و البته معمولاً مخاطبان آنها از قشر اجتماعی کم سواد بودند و در واقع تصویر به کمک فهم مطلب می‌آمد. تصور کردن همان ایجاد تصویر یا عکس است که زینت‌بخش و کامل‌کننده متن بوده و دارای سه کارکرد است که عبارتند از:

۱. برانگیختن خواننده برای خواندن متن که معمولاً با ارائه تصویری تأثیرگذار همراه است. از جمله کارکردهای تصویر در متن جلب توجه و تحریک کنجکاوی خواننده است که سؤالاتی را در ذهن خود فرض کند که می‌داند پاسخ این سؤالات را در متن خواهد یافت؛
۲. ارائه اخبار یا اطلاعات تکمیلی از متن برای سهولت درک بهتر متن از طرف خواننده است؛
۳. کمک به تخیل خواننده برای این که اهمیت بیشتری به آنچه که با جملات بیان شده است بدهد.

همانطور که تصویر می‌تواند در خدمت یادگیری باشد می‌تواند همچون شمشیری دو لبه نیز عمل کند و همانطور که در درک مطلب کمک می‌کند می‌تواند باعث سر در گمی خواننده و القای تصویری نادرست از متن در ذهن خواننده باشد و یک نوع برداشت نادرست از متن ارائه دهد. بنابراین گزینش تصویر برای یک مطلب علمی به ویژه کتاب درسی دانشگاهی کاری بس دشوار است و نباید از حیطة ظاهری و کاربردی که دارد صرف‌نظر کرده و از متن پیشی بگیرد، زیر این - گونه مفهوم آموزشی متن را برای برای مخاطب از بین می‌برد.

روش انتخاب تصاویر

در انتخاب تصویر باید نکاتی مورد توجه قرار بگیرد از جمله انگیزه فراگیران از طریق معرفی علوم جدید، همچنین استاندارد، کیفیت تصاویر، ارزش‌های زیبایی‌شناختی و سبک از نظر دور نماند. در انتخاب تصویر، ابزارهای لازم برای توسعه توانمندی‌های دانستنی نزد فراگیران حضور داشته باشد و در نهایت این که اهداف درس صحیح معرفی شوند.

حال این کتاب درسی با همکاری استادان دانشگاه تهیه شده باشد یا متخصصین در این زمینه، تصاویری که در نظر گرفته می‌شوند یا توسط خود نویسندگان ارائه می‌شود یا از بانک اطلاعاتی تصاویر کمک می‌گیرند یا ناشر تصاویر را اضافه می‌کند در هر صورت اولویت با نویسنده متن است. انتخاب تصویر مرحله‌ای پر معنی در ارتباط با اعتبار تصویر آموزشی، به عنوان ابزاری برای انتقال دانش است و این سوال مطرح می‌شود که مناسب‌ترین تصاویر برای کار آمد بودن کارکردهای شناختی چه خواهند بود؟ عکس؟ نقش؟ طرح کلی؟ تصویر؟ عکس سیاه و سفید یا رنگی؟ و پاسخ به این سؤالات مستلزم این است که ملاحظاتی را در نظر بگیریم از جمله این که ماهیت کتاب

درسی، سطح آن، اهداف درس، نکات مهم مورد نظر مدرس چیست؟ مثلاً در برخی رشته‌ها مثل تاریخ تصویر در ارتباط با متن باقی می‌ماند و برای خود و به خاطر خود مطالعه نمی‌شود. در اصل، حضور تصویر در کتاب درسی باید دست کم یکی از کارکردهای زیر را داشته باشد:

- توجه خواننده را جلب کند؛
- یادگیری را آسان کند؛
- دنیای بیرون را وارد کلاس درس کند؛
- به طور مستقیم محتوا را منتقل کند؛

وجود تصویر در کتاب‌های جغرافیا نیز برخی مواقع از خود متن بیشتر اهمیت دارد. حتی رنگ که در تصاویر یا نقشه‌ها نماد پدیده‌ای بیرونی است مثلاً رنگ آبی برای رودها و دریاها و قهوه‌ای برای کوه‌ها و ...

در تصویرسازی واقعیت‌های علمی، هر چند نگاهی خلاق و پویا لازم است، باید دقیق و نکته سنج بود تا واقعیت‌های علمی همچنان که هست به تصویر در آیند. گاهی تصویرسازی علمی با هدف « ساده‌سازی» مفاهیم صورت می‌گیرد. به ویژه، در شرح دستگاه پیچیده فیزیولوژی یا آناتومی اعضا می‌توان ضرورت این هدف را به خوبی درک کرد. در چنین موقعیت‌هایی، ابزارها و فنون تصویرگری به کمک می‌آیند تا با تنوع رنگ، برجسته‌سازی و غیره تصویری با هدف کمک به درک موضوع علمی معنا یابد (کامران افشار مهاجر، ۱۳۹۲: ۱۹۸).

کاربردهای تصویرسازی در متون آموزشی

تصویرسازی در متون آموزشی کاربردهای مختلف دارد که عبارتند از:

- **تجسم بخشیدن به مفاهیم مجرد:** به عنوان مثال برای نمایش دادن جنبش اتم‌ها و مولکول‌ها می‌توانیم با کمک از این نوع تصویرسازی به کمک آموزش بیابیم.
- **نمایش مراحل یک فرایند:** می‌توانیم درباره موضوعی مشخص تصاویری را در حالت‌های مختلف تهیه کنیم و تصاویر را کنار هم بگذاریم تا مراحل پیدایی آن موضوع را بررسی کرده و به تصویر بکشیم مثل تبدیل دانه به میوه.
- **چگونگی کار یا نصب ابزار:** می‌توانیم با بهره‌گیری از این نوع تصویرسازی چگونگی نصب یک ابزار و استفاده از آن را نمایش دهیم به عنوان مثال طریقه یک سیم پیچی و مدار الکتریکی.
- **تصویرسازی از موجودات زنده و محیط زیست آنها:** با این نوع تصویرسازی امکان نمایش جزئیات وجود دارد و می‌توانیم بخش‌های مهم‌تر را برجسته‌تر کنیم. مثلاً مطالعه بدن انسان (رک. کامران افشار مهاجر، ۱۳۹۲: ۱۹۸).

بایدها و نبایدها در چیدمان تصاویر

چیدمان عناصر تصویری در صفحه، اعم از عکس، تصویر، طرح، ... در کتاب به‌ویژه کتاب درسی دانشگاهی بسیار مهم و پیچیده است. به محض این که کتابی را باز می‌کنیم تصاویر به چشم می‌آیند. در کتاب‌های درسی این جذابیت بیشتر است. عکس‌ها به خاطر رنگ‌ها، خاکستری و تیره و روشن بودن و به خاطر موضوعات‌شان جالب هستند. عکس‌ها خود سوژه یا همان موضوع را دارند و موضوعات بر ما و بر لایه‌های عاطفی ما اثر می‌گذارند. اما عکس‌ها را در کجا جایگزین و چه قوانینی را رعایت کنیم؟

تعامل بصری

تعامل بصری بدین معناست که چشم ما علاقه دارد یک امتداد را ببیند و اگر این امتداد قطع شد برای او مطبوع است که دوباره این امتداد آغاز شود. ----- اگر به عنوان مثال در دو صفحه روبه روی هم متن و تصویر داریم بهتر است خط افقی بالای عکس با سطری که تیترا دارد در یک امتداد باشند. عنوان و بالای تصویر ۱ در یک امتداد هستند.

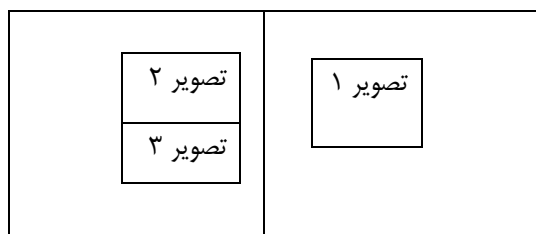
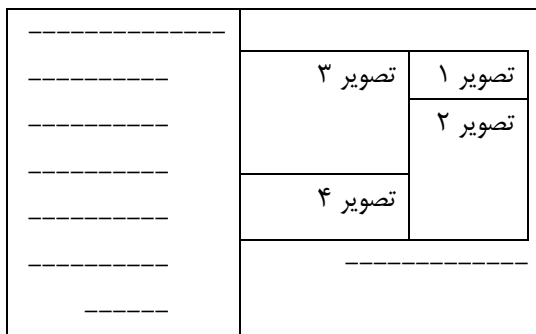
تصویر ۱	<u>عنوان</u>
---------	--------------------------------

یا اگر دو تصویر هستند اصل تعامل بصری حفظ شود. در شکل زیر بالای تصویر ۱ با پایین تصویر ۲ در یک امتداد هستند.

تصویر ۲	تصویر ۱
---------	---------

ایجاد یک بلوک با چند تصویر

بلوک نه به معنای آنچه در ساختمان سازی مطرح است که به عنوان کادری می‌باشد که عکس‌ها در آن کادر قرار می‌گیرند و این کادر می‌تواند مستطیل یا عمودی یا به شکل خوابیده یا مربع باشد.



اما دلیل این کار چیست؟ دلیل این کار یکی از قوانین دیداری گشتالت به نام قانون نقش و زمینه است.

نقش و زمینه

فضای حیاتی که با حواس خود با آن ارتباط برقرار می‌کنیم از دو قسمت تشکیل شده است: قسمت برجسته، خصوصیت شی بودن را نشان می‌دهد، که می‌توان آن را نقش نامید و دیگری اشیا و پدیده‌هایی که به کلی در محیط ادراکی ما مستهلک شده‌اند و در حکم زمینه‌اند و به طور کلی تفاوت گذاشتن بین نقش و زمینه بستگی به سیستم ادراکی ما دارد (مهاجر، ۱۳۸۹). فرایند بینایی در انسان به گونه‌ای است که اگر به صحنه یا در اینجا صفحه کتاب درسی می‌نگرد تمایل دارد یک چیز در آن تصویر را نقش و دیگری را زمینه کند. معمولاً در یک تصویر اگر جاننداری باشد آن جاندار نقش است و بقیه زمینه.

حال اگر در تصویر همه اشیا بی‌جان باشند. انتخاب نقش بین این اشیا به لایه‌های شناخت فرد بیننده تصویر بستگی دارد. اگر بیننده معلم است ناخودآگاه در جستجوی ابزار تدریس در تصویر یا هر آنچه به تدریس و آموزش ربط پیدا می‌کند می‌گردد تا آنها را به عنوان نقش برگزیند و بقیه را زمینه پس سنگینی وظیفه یک گرافیست در کتاب درسی اینجا مشخص می‌شود زیرا نباید بگذارد دانشجو خود به دنبال نقش و زمینه بگردد به عبارتی چشم نمی‌داند کدام تصویر را نقش بگیرد کدام را زمینه؟

آنقدر عناصر موجود در تصویر باید در خدمت آموزش باشند که همان عناصر از پیش تعیین شده در جایگاه نقش قرار بگیرند و گرنه هدف که همانا استفاده از تصویر در آموزش بوده است تأمین نمی‌شود.

رنگ در تصاویر

رنگ در وجود ما انسان‌ها زبان خاص خود را دارد. زبان احساسات و ذهنیت ما هر رنگ ارتعاشات خود را به درون ما هدایت می‌کند و قدرت اصابت خاص خود و بار نفوذ خود را دارد که ناخودآگاه برخی عکس‌العمل‌های عصبی، روانی و رفتاری را در انسان بیدار می‌کند چون مغز سیستمی عصبی است که واکنش نشان می‌دهد.

جالب این جاست که رنگ‌ها در تمدن‌ها و کشورهای مختلف معانی متفاوتی دارند به عنوان مثال رنگ آبی نماد آسمان و رنگ قرمز به مذهب تعلق دارد. در هند رنگ قرمز بیانگر روح زندگی است. البته اختلافات جزئی هم وجود دارد که مثبت یا منفی است نشان‌دهنده عشق، تحرک، خشم و... است. در جامعه ما رنگ سیاه نشانه عزاست در حالی که در برخی جوامع لباس سفید را برای عزا برگزیده‌اند.

حال تصاویر به ویژه رنگی با خود، فرهنگ و آداب و سنن را به همراه دارند البته خاطر نشان می‌کنیم که معمولاً در علوم انسانی این تفاسیر وجود دارد و تصاویر در علوم پایه کمتر مشکل‌ساز هستند. به یک نمونه از نقش مثبت رنگ در تصاویر شعری شاهنامه اشاره می‌کنیم:

رنگ، مؤثرترین و برجسته‌ترین وجه تصاویر حسی و توصیفات تجسمی - بصری شاهنامه است و به طور کلی در آفرینش صور خیال و روایات توصیفی شاهنامه نقش بارزی دارد؛ به ویژه این‌که در محدوده مجازهای زبان و بیان شاعرانه فردوسی و از جمله در بیان تصاویر تشبیهی و استعاری پویا و زنده او، بسیار مؤثر واقع شده است. در میان شاعران پارسی، هیچ شاعری را نمی‌توان نام برد که در توجه و استفاده از رنگ بتواند در تصویرسازی و توصیف با فردوسی برابری کند. یکی از دلایل حسی و زنده بودن تصاویر او، استفاده از رنگ است. به عبارتی، عامل رنگ یکی از مهم‌ترین عناصر ساخت تصاویر حماسی شاهنامه است. در شعر فردوسی، رنگ برخوردار از مفهوم و تأثیر بیانی محسوس و عاطفی است و از حوزه اشیای مادی به عوامل معنوی و انتزاعی فراتر نمی‌آید.

رود. او حتی جنبه‌های نمایشی و دراماتیک رنگ و همچنین وجه نمادین آن را در بیان شاعرانه خود در نظر دارد. همچنین رنگ سیاه به نشانه نمادین افراسیاب که به دفعات برای معرفی و توصیف شخصیت او به کار رفته است. از جمله تصویر ترسناکی که فردوسی از این شخصیت، از زبان زال می‌آفریند:

درفش سیاه است و خفتان سیاه ز آهنش ساعد ز آهن کلاه

همه روی آهن گرفته به زر نشانی سیه بسته بر خود بر

از او خویشتن را نگهدار سخت که مردی دلیر است و پیروز

در جنگ‌های ایرانیان با تورانیان، درفش سیاه نشانه حضور افراسیاب است و رنگ سیاه در ابیات بالا که سه بار تکرار شده، برای پرهیز و ایجاد ترس در دیگران از این شخصیت است؛ و آهن نیز که سه بار آمده، صلابت، قدرت و بی‌رحمی در "ایماژ" افراسیاب را القا می‌کند (ضابطی جهرمی، ۱۹:۱۳۸۵).

محتوای کتاب‌های درسی آموزشی است، اما در کتاب‌های غیردرسی یا داستانی، موضوع تخیل مطرح می‌شود در این کتاب‌ها بیشتر از آموزش، ادبیات حاکم است. تصویرگر در تصویرسازی کتاب‌های غیردرسی از قدرت عمل بیشتری برخوردار است و می‌تواند از دنیای تخیل خود بهره ببرد و دیدگاهش را به مخاطب ارائه دهد. اما در تصویرسازی آموزشی، تصویرگر نمی‌تواند فکر زیادی از خودش ارائه کند و مجبور است خود را در خدمت موضوع آموزشی قرار دهد.

آموزش زبان فارسی با تصویر

حضور یک تصویر در کنار متن آموزشی ناخودآگاه توجه خواننده را به تصویر جلب می‌کند و در واقع سلسله خطی متن را می‌شکند و گویی رفت و آمد از متن به تصویر و برعکس ایجاد می‌کند، توانمندی را پر بار کرده و خود استقلالی فراگیران را افزایش می‌دهد.

از اولین کتاب درسی در پایه ابتدایی تصویر به ایفای نقش می‌پردازد. تصاویری برای ماه‌های سال تحصیلی در کتاب درسی در نظر گرفته شده است که مضامینی چون خانواده، مدرسه، طبیعت، مسجد، جشن نوروز و ... را به تصویر می‌کشد. این تصاویر بر اساس رویکردی کلی طبقه‌بندی شده‌اند که دانش‌آموز را به صحبت، تفکر، نگاهی دقیق و خوب شنیدن سوق دهد.

در زیر تصاویر نام تصویر نوشته شده است و این نه به خاطر آموزش نوشتار آن کلمه که به عنوان دادن مفهومی به تصویر ارائه شده است. معلم نیز بر تصویر تکیه می‌کند نه بر کلمه.

ببین و پاسخ بده

این جمله و تصویر در کتاب فارسی دبستان در نظر گرفته شده است. این فعالیت به دنبال جلب توجه دانش‌آموز بر ساختار جملات است و این که دانش‌آموز را به بیان شفاهی جملات و آنچه که دیده است وا دارد هر جا دانش‌آموز این تصویر را می‌بیند می‌داند باید چه کار کند.



گوش کن و بگو

یکی دیگر از تصاویر کلیدی در کتاب فارسی دبستان تصویر کودکی است که دست در کنار گوش خود دارد که حاکی از شنیدن است. اهداف این فعالیت عبارتند از:



- طبقه‌بندی؛
- تقویت تمرکز و دقت؛
- برانگیختن دانش‌آموز به پاسخگویی به پرسش‌هایی که متمرکز بر درک تصاویر هستند؛
- ساخت جملات؛

❖ شرح به صورت شفاهی از آنچه که دیده است و دیگر عواملی که دانش‌آموز با آن رو به روست و می‌تواند دقت دانش‌آموز را به خود جلب کند. معلم نیز باید توجه خاصی بر پاسخ‌های خلاقانه دانش‌آموز داشته باشد و به دنبال دریافت پاسخ‌های شبیه نباشد و پس از شنیدن پاسخ‌های فردی و گروهی به ارزیابی بپردازد.

بگرد و پیدا کن

دانش‌آموزی که نوشتار کلمات را به کمک شکل حفظ کرده است. نخست وادار به پیدا کردن تصویری می‌شود که معلم آن را تلفظ می‌کند و به کلمه ارتباط دارد و سپس با نگاه کردن به تصویر است که دانش‌آموز به پیدا کردن کلمه‌ای که به آن ربط پیدا می‌کند وادار می‌شود.



برای دوستانت تعریف کن

د طول این فعالیت فضایی دوستانه در کلاس درس حاکم می‌شود. دانش‌آموزان به راحتی با هم از محیطی که در آن زندگی می‌کنند و از زندگی شخصی خود با یکدیگر صحبت می‌کنند. این فعالیت پایه و اساس خلاقیت کودک است و باعث می‌شود دانش‌آموز به سوالاتی پاسخ دهد که از تصورش، افکارش، خاطراتش و هر آنچه که می‌داند نشأت می‌گیرد. به دنبال این فعالیت گروهی، دانش‌آموزان با یکدیگر صحبت می‌کنند. معلم موقعیتی ایجاد می‌کند تا اعتماد به نفس دانش‌آموزان شکل گیرد و دانش‌آموزان خجالتی و کمرو نیز صحبت کنند.



بنابر این می‌بینیم که تصویر در اولین مرحله از آموزش به یاری معلم می‌آید و حتی قبل از آن در دوران پیش دبستانی و در مهد کودک‌ها از تصویر برای آموزش استفاده می‌شود.

با توجه به این که نظام آموزشی در دبستان از سال ۷۹ برابر با ۲۰۰۰ میلادی به شکل بخوانیم و بنویسیم تغییر کرد و در سال نخست تکیه بر ارائه تصاویر و سپس یادگیری لغات به شکل کلی و به تدریج یادگیری الفبا پیش رفت. راندمانی که این شیوه داشت این بود که کودکان دبستانی در پایان سال تحصیلی به راحتی متون را می‌خوانند. به نظر می‌رسد این سیستم مبتنی بر رویکرد عمومی - پایه‌ریزی شده بر اساس روانشناسی گشتالت و دریافت کل در ابتدا و سپس اجزا و رویکردهای هجایی، رویکردهای زبان‌شناسانه و ... کاربردی‌تر است و می‌توان این پیش‌نظریه را داد که کودکانی که زبان مادری و کلمات آن را کلی و نه جزء‌جزء و الفبایی و به وسیله چیدمان الفبا و ساخت کلمه فرا گرفته‌اند در آینده زبان بیگانه را که با همین شیوه آموزش می‌بینند بهتر فرا خواهند گرفت.

نسل‌های گذشته که با الفبا و ساخت کلمات و به شکل جمله‌سازی زبان مادری را فرا گرفتند در یادگیری زبان خارجی هم به دنبال پیدا کردن اجزای یک جمله و دستور زبان هستند، در حالی که کودکانی که با این روش کلی مبتنی بر تصویر، زبان مادری را فرا گرفتند در کلاس‌های زبان و مدرسی که زبان انگلیسی را یک باره با دیالوگ‌ها و جملات شروع می‌کنند نه با دستور زبان و تک تک اجزای جمله، موفق‌تر هستند.

می‌توان اذعان داشت که نهضت استفاده از تصویر در آموزش و به تبع آن در کتاب‌های درسی در هر مقطع از حدود ۱۴ سال پیش اگر نگوئیم آغاز ولی جدی‌تر گرفته شده است، اما به نظر نگارنده تصویر نباید به گونه‌ای باشد که بیشترین توجه فراگیر را به خود جلب کند و فراگیر را از متن اصلی دور کند یا تصویر به گونه‌ای باشد که فراگیر با دیدن تصویر ترجیح دهد آنچه از تصویر درک می‌کند را در ذهن خود جایگزین کند اینجا همان جایی است که نه تنها تصویر به کمک متن نیامده بلکه متن را قربانی کرده است.

باشلار^۱ از تصویر به عنوان یک مانع برای رسیدن به نوعی تفکر علمی یاد می‌کند. تاردی^۲ نیز تصویر را عاملی منفی تلقی می‌کند و از نظر او تصویر باعث می‌شود دانشجو با جدیت آموزش را دنبال نکند و یک نوع دوری از فضای آموزشی را به وجود می‌آورد. البته این نظر تاردی در تمام موارد نمی‌تواند اعتبار داشته باشد^۳ زیرا زبان بیگانه نقش کلیدی دارد.

1. Bachlard

2. Tardy

3. Tardy, Michel. *Le Professeur et les images*, Paris, PUF, 1973.

این تصویر می‌تواند از تصاویر واقعی یا همان عکس‌ها باشد یا به صورت طراحی شده، کاریکاتوری، نشانه و از این قبیل شاید در کتاب‌های زبان تصاویر به شکل کاریکاتور یا طراحی و نه تصویر واقعی مانند زنگ تفریحی برای دانشجویان باشد و نوعی شادی و استراحت بین درس ایجاد کند اما تصویر طراحی شده از سیستم اعصاب در بدن یا قسمت‌های مختلف موتور یک ماشین یا نقشه جغرافیایی کشورها و... کاملاً در راستای آموزش است.

آموزش زبان بیگانه با تصویر و رنگ

تصویر در آموزش زبان از امتیاز ویژه‌ای برخوردار است زیرا توانایی انتقال مفهوم را داراست. تصویر در یادگیری زبان به صورت‌های مختلفی از جمله شناخت فرهنگ زبان مقصد، نوع گفتار، ساختار جملات و ... یاریگر مدرس است. در زیر به ارائه چند مثال از کارایی تصویر در آموزش زبان می‌پردازیم. در این جا اسم، فعل و صفت در سه زبان فارسی، فرانسه و انگلیسی آمده‌اند.

یادگیری اسم

زبان فارسی: سیب / زبان فرانسه: pomme / زبان انگلیسی: apple



زبان فارسی: خانه / زبان فرانسه: maison / زبان انگلیسی: house



یادگیری فعل

زبان فارسی: دویدن / زبان فرانسه: courir / زبان انگلیسی: to run



زبان فارسی: لبخند زدن / زبان فرانسه: sourire / زبان انگلیسی: to smile



یادگیری صفت

زبان فارسی: چاق / زبان فرانسه: gros / زبان انگلیسی: fat



زبان فارسی: قوی / زبان فرانسه: fort / زبان انگلیسی: strong



یک تصویر می‌تواند چند جمله را در ذهن فراگیر ایجاد کند. با ارائه تصویر زیر و پرسش مدرس از دانشجویان جملات زیر ارائه می‌شود.



- یک خانه و دو درخت در تصویر وجود دارد.
- درختان بلندتر از خانه هستند.
- درختان نزدیک خانه هستند.

• خانه‌ای در بین دو درخت قرار گرفته است. / The house is between two trees.

رنگ تصاویر خود به عنوان یک ابزار می‌تواند کاربرد آموزشی داشته باشد به عنوان مثال می‌توان فاعل یا کننده کار را با رنگ سبز، فعل را به رنگ قرمز و متمم فعل را به رنگ زرد نمایش دهیم.

The house is between two trees

زرد قرمز سبز



رنگ فلش در تصویر به رنگ قرمز، رنگ خانمی که وارد اتاق می‌شود سبز و رنگ در و دیوار اتاق زرد می‌باشد.

با ارائه جمله فقط به زبان بیگانه یا معادل آن به زبان مادری با رنگ مخصوص دانشجو به راحتی جایگاه اجزا را در جمله شناسایی می‌کند و در ذهن جا می‌دهد.

مری به منزل وارد می‌شود

قرمز زرد سبز

- گاهی حتی تصویر یک زبان یا دهان می‌تواند نشانه از تکرار یا تصویر یک گوش نشان-دهنده این باشد که دانشجو یا دانش آموز باید به مطلب گوش دهد.
- امروزه فراگیری زبان به شیوه سمعی بصری بسیار مرسوم است چرا که باعث ارتباط دانشجو با محتوای درسی و در نهایت تفهیم مطلب می‌شود.
- اواسط سال‌های ۱۹۵۰ بود که گوبرینا^۱ از دانشگاه زاگرب اولین قواعد نظری روش سمعی - بصری^۲ را ارائه کرد. متدولوژی سمعی - بصری نیز بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ در فرانسه کاربرد پیدا کرد و یکی از متدهایی که تولید انبوه داشت متد **ویودووا**^۳ بود که در سال ۱۹۷۲ به چاپ رسید و تصویر نقش اصلی در آموزش داشت.
- روش سمعی - بصری روشی است که بر مثلث شرایط ارتباطی، گفت و شنود و تصویر تکیه دارد. در روش‌شناسی سمعی بصری، ارجحیت با زبان شفاهی و محاوره است و یادگیری زبان شفاهی و محاوره هدف اصلی در این متدولوژی است.
- از باب نظریه زبان‌شناختی مورد استفاده در این متدولوژی زبان شفاهی مورد نظر است و از باب نظریه‌ها یادگیری از ویژگی‌های متدولوژی سمعی بصری، همگونی صداها، وزن‌ها و آهنگ‌ها به وسیله تکرار و همچنین تداعی ادراکات دیداری با ادراکات پرطنینی است که به خاطر سپاری را ساماندهی می‌کند.
- ماهیت و کارکرد تصاویر** در این متدولوژی به گونه‌ای است که تصویر ساخته، ساده و کدبندی شده است و کارکرد معناشناختی دارد، تصویر باید درک معنا را ساده کرده و هر چیز دو پهلو و مبهم را حذف کند.
- در این متدولوژی دیالوگ یا همان گفت‌وگو ارائه می‌شود. سپس به ترتیب توضیح گفت‌وگو، تکرار آن، حفظ آن، استفاده از تصاویر از خلال تمرینات ساختاری، جابجاسازی کلمات و جملات و در نهایت استفاده مجدد از آنهاست.
- در این روش نگارش وجود ندارد و ابزار کار این روش، کتاب، استاد و آزمایشگاه زبان است که این روش آن را باب کرده است. دانشجو هم یک کتاب همراه با تصاویر و یک کتابچه تمرین دارد.

1.Guberina

2.La méthodologie SGAV (Système Général Audio- visuel)

3.De Vive Voix

در روش سمعی بصری، دانشجو یک تکرار کننده است و آنچه می‌بیند و می‌شنود تکرار می‌کند و استاد به طور کامل تابع این روش است. در واقع دانشجو به متخصص ایجاد تغییرات در متن تبدیل شده است و می‌تواند با دستکاری در حد جابجایی تصاویر و جایگزینی جملات به فراگیری زبان کمک کند. بنابر این در می‌یابیم تصویر هم پا در آموزش زبان به شکل‌های متفاوت در روش‌های گوناگون نقش مهمی ایفا کرده است.

نتیجه‌گیری

وجود تصویر در آموزش و سپس در کتاب درسی به عنوان یکی از ارکان یادگیری، اگر پر اهمیت‌تر از محتوای درسی نباشد، کم اهمیت‌تر نیست.

تصویر از آموزش زبان مادری تا تحصیلات تکمیلی و آموزش زبان بیگانه همراه ماست و می‌توان این پیش‌نظریه را ارائه داد که آموزش زبان مادری ما یعنی همان زبان فارسی از طریق تصاویر، یادگیری زبان خارجی را برای کودکان آموزش دیده با این روش آسان‌تر خواهد کرد.

سیر روش‌شناسی زبان‌های خارجی اهمیت تصویر را نشان می‌دهد تا جایی که حتی برخی روش‌ها اساساً بر پایه تصاویر و آموزش به وسیله تصاویر بوده‌اند. به سوالی که در مقدمه مطرح کردیم بر می‌گردیم که آیا تصویر به عنوان ابزاری پوینده، ابزاری بیانی و یا حتی به عنوان زبانی مستقل نمایش داده می‌شود که باید نوعی مهارت را از آن کسب کرد؟ و به نظر می‌رسد در آموزش زبان مادری و بیگانه، تصویر به خوبی نقش این ابزار را ایفا می‌کند و تنها محدودیت‌هایی دارد که باید در نظر گرفته شود.

شاید زمان آن فرا رسیده است که از تصاویر به شکل صحیح در کتاب‌های درسی و دانشگاهی بیشتر استفاده شود و از این عامل مهم در یادگیری به دلیل افزایش قیمت کتاب‌های مصور فاصله نگیریم.

منابع

- L'image (dans les manuels) Hier et Aujourd'hui; Pasho, Saverina; Kisi, Anida.
 Article; Centre d'Etudes, de Documentation et de Recherches en Histoire de l'Education de l'IUFM de Montpellier et Amis de la Mémoire Pédagogique; 2012.
 Petite histoire de l'image ...en image, Frank VIDAL, <http://w3.msh.univ-tlse2.fr/2013/12/09>.
 Erdős József, Les couleurs dans l'enseignement de la syntaxe, <http://bme-tk.bme mis en ligne 2014/04/13>.
 Tardy, M.(1973). *Le Professeur et les images*, Paris, PUF.

Radhia, A.(2007). Le rôle de l'image dans l'enseignement du français langue étrangère en Algérie : développement des compétences langagières chez les apprenants de 3ème année primaire, mis en ligne : 10 novembre.

Thèse de didactique des langues en cours à l'université de Batna, sous la direction de Khadhraoui Said et de Jean-Marc Colletta (université Stendhal Grenoble 3), dans le cadre de l'école doctorale franco-algérienne.

Lucien Mias- Equipe soignante USLD-CH Mazamet, Les couleurs et leurs effets, 2009. <http://papidoc.chic-cm.fr> 2014/04/12.

Bahrambeiguy, m.(2009). *l'enseignement de l'expression écrite chez les apprenants iraniens*; Thèse de doctorat; Aix Marseille 1, France.

افخمی نیا، م. (۱۳۸۶). تصویر و نقش آن در آموزش زبان بیگانه، فصلنامه علامه، بهار ۱۳۸۶ شماره ۱۳. افشار مهاجر، ک. (۱۳۹۲). عملکرد گرافیک در کتاب‌های درسی دانشگاهی. تهران: سمت. افشار مهاجر، ک. (۱۳۸۹). کارگاه کاربرد گرافیک در کتاب‌های درسی دانشگاهی. تهران: سمت. آرمند، م. و ملکی، ح. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر شیوه طراحی و تألیف کتاب درسی دانشگاهی. تهران: سمت. رحمتیان، ر. (۱۳۹۰). فرهنگ سه زبانه مدرس مفاهیم بنیادی و تخصصی آموزش زبان و رشته‌های وابسته. تهران: انتشارات سپاهان.

ضابطی جهرمی، ا. (۱۳۸۵). روزنامه رسالت، شماره ۵۸۵۹، صفحه ۱۹ ادب و هنر، ۸۵/۲/۲۰. لیبونکا، م. ا. (۱۳۹۱). نحوه نگارش و تهیه کتاب درسی دانشگاهی. ترجمه مریم جابر و دیگران زیر نظر فریبرز مجیدی، تهران: سمت.